

فرهنگ باید باور حیات‌ی ما باشد



◀ **پیام دهکردی -** بازیگر و کارگردان / در جهان معاصر هنر به سمت

هنرهای چندگانه در حال حرکت است یعنی با حوزه‌های تک ساحتی مواجه نیستیم. به همین دلیل من به عنوان هنرمند فکر می‌کنم که می‌خواهم در حوزه اجتماعی هم نقبی بزنم. از طرفی در جریان تجربیات مختلف پر فورنس، کارهای محیطی و جشنواره امید تبدیل به فردی شدم که دغدغه اجتماعی رکن مهم و جدی زندگی‌اش شده است.

دغدغه و کنش اجتماعی برای من به عنوان یک مبارزه سیاسی نیست. به عنوان یک اثر خلاقانه و هنرمندانه است برای ارتقا بخشیدن به کیفیت زیستی و برای تأثیرگذاری. در این شرایط که به دلیل شیوع بیماری کرونا تأثیر تعطیل است، آیا من هم باید تعطیل باشم؟ نه! پس چه کسی باید به جامعه امید دهد؟ چه کسی باید جامعه خسته‌ای را که پراز یأس و ترس است، دوباره به زندگی دعوت کند؟ این کار و وظیفه هنرمند است و ارتباطی به نوع مدیریت کشور ندارد. در همه جای دنیا همین اتفاق افتاده و کسانی که مردم را در شرایط سخت دوباره دعوت به زندگی می‌کنند، هنرمندان هستند.

بالینکه انتقاداتی داریم هم قول و هم میثاق هستیم اما به این معنا نیست که از این کنش فاکتور بگیریم و آن را انجام ندهیم. ما باید تأثیر را با همه ظرفیت‌هایش بازتعریف کنیم. گاهی این هنر را محدود می‌کنیم به یک رخداد صحنه‌ای و در چنین شرایطی می‌گوییم صحنه تأثیر تعطیل است اما چرا به تأثیر نهاد تولید اندیشه می‌گوییم؟ این معنای بسیطی دارد و کوهی از ظرفیت است. باید امروز به این نقطه بازگردیم که چه کاری برای جامعه باید انجام دهیم. آنچه می‌گویم، تناقضی با بحث فقر مالی و معضلات معیشتی ندارد و منکر آن نیست. در اینکه جامعه تأثیر در شرایط دشواری است و باید مسئولان برایش پاسخگو باشند، شکی نیست. وظیفه صراحت یافته دولت‌ها و مدیریت‌ها این است که باید از هنرمندان تأثیر به صورت جدی حمایت کنند. در کنار این مطالبه‌گری از دولت‌ها اینکه مسئولیت‌هایی بر شانه ماست، بحث دیگری است. اعتقاد من این است که جامعه پیشرو جامعه کنشی است نه واکنشی و نقاط شکست هر جامعه نقطه‌ای است که دیگر کنشی نداشته و نسبت به یک درد به سکوت رسیده است. اینکه هنرمندان در شرایط دشواری قرار دارند به جای خود اما این نباید مانع انجام کنش ما شود.

من به این باور دارم که در این روزها فرهنگ تنها ترین تنه‌ای این سرزمین است. همه مادر یک گناه دست جمعی سهم هستیم. بی انصافی است اگر همه مشکلات را متوجه هنرمندان بدانیم و بی انصافی بیشتر این است که مشکلات را متوجه مردم کنیم اما این هم که بگوییم دولت‌ها فقط مقصرند، به نظر من کار صحیحی نیست. من معتقدم که حکومت‌ها شبیه به مردم و مردم و مردم شبیه به حکومت‌ها می‌شوند. اگر امروز معضلات زیادی در فضای فرهنگی داریم، علت آن است که بسیاری از مدیران در طول ادوار

ناکارآمد بوده‌اند و بی‌سواد این ناکارآمدی را گاهی من با سکوت و عدم کنشگری لازم، بموقع و بهنگام مهیا کرده‌ام. در تمام دنیا مردم قابل تربیت هستند. هر سه ضلع مثلث مردم، دولت و هنرمندان سهمی در این خسران دارند اما به دلیل اینکه بودجه و امکانات به شکل گسترده و اثرگذار همیشه در اختیار دولت‌ها بوده، مسئولیت اساسی متوجه دولت‌ها و مدیریت فرهنگی در سطح کلان است. آنها اکنون باید پاسخ دهند که نسبت جامعه امروز ما با همدردی، ایمان، ادب و مصادیقی از این دست چیست.

ریشه بسیاری از معضلات حل نشده کشور مادر فرهنگ است. شاید پریبراه نباشد که اقتصاد و فرهنگ را دو بال پرواز یک کشور بدانیم و بگوییم فرهنگ بال سنگین‌تر و مهم‌تری است. چون شما در بحران‌های اقتصادی با داشتن فرهنگ بال‌امی می‌توانید ماجرا را مدیریت کنید اما با وضع اقتصادی خوب نمی‌دانید با جامعه بی فرهنگ چه کنید. فرهنگ حلقه مفقوده است در این مسیر و خود دولت‌ها باید در مورد این حرف بزنند که چرا در جامعه امروز ما ادب رنگ باخته و چرا جامعه ما جامعه چندگانه‌ای شده است؟ فرزندان به پدران و مادران نگاه می‌کنند و مردم و جوامع بشری به حکومت، مردم اگر صداقتی ببینند، صداقت پیشه می‌کنند و اگر دورویی ببینند، به سمت دوگانگی و زیست چندوجهی میل می‌کنند.

تأثیر باید برای مدیریت کشور به عنوان یک ضرورت مطرح شود. امروز می‌بینیم که ایران قدرت اول موشکی و دفاعی خاورمیانه است و این یعنی اقتدار که برای ما امنیت ایجاد می‌کند. در حوزه‌های اطلاعاتی هم همین اتفاق می‌افتد. اکنون پرسش من این است که چرا فرهنگ در کشور ما هرگز به آن نقطه اقتدار قوای نظامی و امنیتی نمی‌رسد؟ پاسخ این پرسش روشن است؛ چون فرهنگ ضرورت نیست. باور من بر این است که ایرانی هر زمانی که تصمیم گرفته با ایمان و جانانه کار کند توفیقش صدر صد بوده و زمانی که این کار را انجام نداده نتوانسته در آن حوزه‌ها اثری بگذارد. به همین دلیل است که امروز مدیریت فرهنگی ما سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ما را در شکل کلان انجام نمی‌دهد. مدیریت فرهنگی ما توسط فضای مجازی انجام می‌شود و به همین دلیل هم در بخش‌های مختلف گرفتار شده‌ایم.

امروز فرهنگ در کشور ما یک امر تزئینی است نه حیاتی. فرهنگ باید در مسئولیت فرهنگی کشور به شکل باور حیات‌ی و ضرورت دربیاید. راهی جز رفتن به سمت فرهنگ نداریم و در حوزه فرهنگ راهی جز حرکت به سمت رخدادهای ترکیبی و کنش‌های اجتماعی با تکیه بر ظرفیت‌های نمایشی، موسیقایی و تجسمی نداریم. عالی‌ترین مسیر ما از این راه بازمی‌شود.

همیشه تخریب آسان‌تر از ساختن اما این به آن معنی نیست که نشود کاری کرد. هر لحظه‌ای که اراده کنید شروع می‌کنید به اثر بخشی‌های نقطه‌ای. برای ساختن، عمری رنج کم است و برای ویرانی دمی غفلت زیاد.



تأثیر را باور کنید

◀ **هادی مرزبان -** کارگردان / اهالی تأثیر هم مانند بسیاری از

مردم در این روزها با مشکلات زیادی مواجه هستند. شیوع بیماری کرونا، تعطیلی تماشاخانه‌ها و لغو اجرای نمایش‌ها به مشکلات قدیمی‌تر اهالی این هنر دامن زده است. در این شرایط هنرمندان تأثیر تلاش زیادی کردند که خود را با شرایط تطبیق دهند و بگویند ما هستیم.

برای حل همین بحران دیداری با قادر آشنا، مدیر کل هنرهای نمایشی داشتم و پیشنهاد کردم در شرایطی که به نظر می‌رسد این بیماری مدت طولانی با ماست، نباید دست روی دست بگذاریم و منتظر بمانیم. پیشنهاد کردم به طرف تله تأثیر برویم و تلویزیون و مرکز هنرهای نمایشی با امضای توافقی به هنرمندان تأثیر این فرصت را بدهند که در تلویزیون تأثیرهایی به صورت تله تأثیر اجرا شود. قادر آشنا از این پیشنهاد بسیار استقبال کرد و پس از من هم همکاران دیگری این مسأله را دنبال کردند اما به نظر می‌رسد تلویزیون نمی‌خواهد روی خوش به تأثیر نشان دهد. در صورتی که در شرایطی مانند این روزها هنرمندان تأثیر نیاز به حمایت بیشتری دارند تا با ایده‌هایی مانند تله تأثیر هم از نظر



مالی تأمین شوند و هم روح‌شان با داشتن اجراهایی سیراب شود. هنرمندان تأثیر در این سال‌ها در کنار دولت تلاش کرده‌اند این هنر به حیاتش ادامه دهد اما این کار نیاز به همکاری بخش‌های دیگر مانند صدا و سیما دارد. تنها راه نجات تأثیر در این شرایط آشتی کردن سیاست‌گذاران و سردمداران کشور با تأثیر و باور این مسأله است که این هنر می‌تواند بسیاری از معضلات جامعه را حل کند. از مشکلات خانواده‌ها و جوانان تا حتی معضلات شهری می‌تواند با تأثیر اصلاح شود اما این را باید نه فقط دولت که تمام سیاستمداران باور کنند. تأثیر هنر فریخته‌ای است و در تمام دنیا گفته می‌شود تنها هنری است که تمام فرهنگ‌ها را می‌توان با آن سنجید. پس باید نگاه تازه‌ای به آن داشته باشیم و به تأثیر میدان دهیم. دولت در این سال‌ها در شرایط مختلف تلاش کرده از هنرمندان حمایت کند که بعضی راهگشا بوده و بعضی از این تلاش‌ها به نتیجه نرسیده اما هنرمندان تأثیر به تلاش‌شان ادامه می‌دهند و من به عنوان عضوی از جامعه هنر تأثیر می‌گویم که به آینده تأثیر کشور امیدوارم چون برای ادامه دادن مجبوریم امیدوار باشیم.

